

طراحی مجتمع مسکونی با تاکید بر آیات قرآن کریم

بهروز صالحی^۱، مصطفی زهیر کامل^۲

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام

^۲ کارشناسی ارشد معماری

mostafaalfarsi۰۴@gmail.com

چکیده

خانه مسکونی باید طوری طراحی شود که ارتباط بین نظام اعتقادی و ساختار کالبدی و معماری، به حفظ اصول اعتقادی و ارزش‌های دینی-مذهبی کمک کند بطوری که این عقاید عنصر کلیدی تعیین‌کننده عملکردها و فضاهای خانه مسکونی باشند. امروزه با تحولاتی که در روند معماری مسکن رخ داده است، حفظ اصول دینی-مذهبی نظیر حریمیت کمتر رعایت می‌شود. در این راستا تحقیق حاضر به روش تحلیلی-توصیفی و با هدف طراحی مجتمع مسکونی با تاکید بر آیات قرآن کریم شکل گرفته تا از این طریق بتواند به بررسی و شناخت شاخصه‌ها و مولفه‌های مسکن مطلوب از منظر قرآن کریم پرداخته و ابعاد مفهومی و کالبدی معماری دینی-مذهبی در طراحی مجتمع مسکونی را بشناساند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از جمله شاخصه‌های معماری دینی (دینی-مذهبی) می‌توان به جنبه‌های روحانی معماری مذهبی، هندسه خاص و خالص، حساسیت نسبت به جهات، تقارن، ایجاد تضاد در فضای بیرون و درون، خدا بنیادی و دعوت، زیبایی در معماری مذهبی و حجاری، گچ‌بری و کاشیکاری اشاره کرد. همچنین مهمترین مساله که رعایت آن از منظر معماری دینی-مذهبی (مبتنی بر قرآن کریم) به آن تاکید شده است مساله حریمیت است.

واژه‌های کلیدی: معماری دینی-مذهبی، معماری مسکونی، مجتمع مسکونی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مسائلی که بشر از بدو تمدن به طور قاطع و گریز ناپذیری با آن روبرو بوده مسکن است. از آن جایگاه انسان فطرتاً خواهان ایمنی آرامش و مکان محفوظ می باشد تامین مسکن مناسب یکی از مسائل مهم زندگی و معیشت بشر محسوب می شود. از طرفی موضوع مسکن در میان موضوعات معماری دقیقاً همانی است که شدیدترین پیوند ها را با ظریف ترین اشکال و میراث و ویژگی های محیطی فرهنگی داشته از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مردم ایران پس از پذیرش دین مبین اسلام، اصول آن را در زندگی و سنت های خود تطبیق داده اند. بدین معنی که هیچگاه داشته های خود را از نظر آداب، رسوم و طریقه زندگی به کل کنار نگذاشته اند، بلکه با محوریت آموزه های دین اسلام، آن ها را تطبیق و در صورت لزوم تغییر داده اند. در این فصل ابتدا با پرداختن به مساله سکونت و مسکن به نحوه شکل گیری و سیر تکامل این مهم سعی در ایجاد بستر مناسب برای بررسی مساله سکونت و معماری دینی-مذهبی گردیده است و با ذکر ارتباط هنر و معماری با دین و مذهب سعی شده تا ارتباط این دو را معرفی و تاثیرات هر یک بر دیگری را روشن سازیم.

بیان مسأله

خانه مسکونی باید طوری طراحی شود که ارتباط بین نظام اعتقادی و ساختار کالبدی و معماری، به حفظ اصول اعتقادی و ارزش های دینی-مذهبی کمک کند بطوری که این عقاید عنصر کلیدی تعیین کننده عملکردها و فضاهای خانه مسکونی باشند. متأسفانه امروزه هنر گذشتگان با وجود پیشرفت چشمگیری که در تکنولوژی داشته ایم به دست فراموشی سپرده شده است. به عنوان مثال، آنان یک اثر کاملاً هنری با رعایت حفظ اصول محرمیت خلق می کردند، در حالی که این عناصر در دنیای امروزه نادیده انگاشته شده و بدون در نظر داشتن عقاید فرد ایرانی یک ساختمان بی روح مبدل گردیده است. مسکن باید با رعایت تمام جوانب احداث گردد، بطوری که اصالت و فرهنگ آن همواره جلوه گر نماید و این نکته توسط معماران متجدد امروزه به دست فراموشی سپرده شده است. آنان اصل را بر صورت اثر و نه محتوا می گذارند. بدیهی است این چالش، بحرانی را پدید می آورد که نزول کیفیت در تعریف برنامه فیزیکی، طراحی و ساخت مسکن می باشد و باعث از دست رفتن احساس تعلق و مالکیت در مجتمع های مسکونی می شود در حالیکه مقوله دین و مذهب به عنوان یک اصل حاکم بر تمامی شئون زندگی، به زیبایی در معماری سنتی ایران، نقشی کالبدی داشته و به موجب رعایت آن، حس مالکیت، آرامش و امنیت را برای ساکنین خانه فراهم می آورد (عطائی، ۱۳۹۴).

امروزه با تحولاتی که در روند معماری مسکن رخ داده است، حفظ اصول دینی-مذهبی نظیر محرمیت کمتر رعایت می شود. حال آنکه با در نظر گرفتن این اصول در مجتمع های مسکونی به بیان اثرات وجودی آن با هدف ترویج در معماری مجتمع های مسکونی پرداخته شود و با شناخت متغیر های مهم، از جمله رعایت اصل محرمیت، بکارگیری فرهنگ سنتی ایران و اعتقادات فرد ایرانی صورت می گیرد و می توان به ارتباط بین متغیرها دست یافت و در رفع نیازهای فردی و الگوهای فرهنگی استفاده نمود.

معماری سنتی هماهنگ با فرهنگ، آداب و رسوم پدید آمده و کالبد مناسبی برای زندگی سنتی بوده است. اما معماری امروز به دلیل عدم توجه به فرهنگ و آداب بوجود آمده و تاثیرهای مخربی بر فرهنگ داشته است. قرآن کریم به عنوان نقشه راه انسان، الگوها و معیارهای مناسبی جهت طراحی مسکن ارائه نموده که کشف، بیان و دسته بندی این الگوهای می تواند راهنمای مناسبی برای طراحی مسکن معاصر باشد.

مسکن سنتی، همواره بر اساس عقاید مذهبی ساکنان آن خلق می شد و معمار سنتی تا حد امکان به اصول، قواعد و روش های احداث خانه در آیات و احادیث توجه می نمود؛ لذا اثری که خلق می کرد، بر مبنای آن الگوها شکل می گرفت و همواره روح دینی در مسکن سنتی جریان می یافت (اخوت، ۱۳۹۴).

در این راستا تحقیق حاضر با هدف طراحی مجتمع مسکونی با تاکید بر آیات قرآن کریم شکل گرفته و سعی نگارنده بر آن است تا با شناخت مفهوم مسکن و مسکن مطلوب از منظر قرآن کریم، الگوها و شاخصه های عملکردی تدوین نموده و آنها را در قالب جداول ایدئوگرام معرفی نماید این الگوها در طراحی معماری تحقیق حاضر لحاظ میگردد تا طراحی مذکور رویکرد تحقیق را حفظ و البته معرفی نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

زندگی در محیط اجتماعی یکی از نیازهای اصلی زیستی انسان است. مسکن (در سطح خرد) و فضاهای شهری (در سطح کلان) که بعد فیزیکی سکونت زندگی در محیط اجتماعی محسوب می گردد، به عنوان جایگاه اصلی خانواده برای بقای انسان و جامعه، از اهمیت بسزایی برخوردار است. زمانی که مجموعه ای مسکونی ساخته می شود در واقع یک کانون اجتماعی شکل می گیرد. این کانون اجتماعی برای حفظ ارزشهای خود به اصول منسجم و مشخصی نیاز دارد. فضای شهری به عنوان نیاز بشری و پدیده ی اجتماعی به سهم خود دارای ارتباطات متقابل با رفتار و فرهنگ انسانی است. در بررسی مساله محیط فیزیکی زندگی، علاوه بر بررسی ابعاد مربوط به ساخت و ساز، محاسبات فنی و بکارگیری مصالح مناسب و مقاوم در امر ساختمان سازی و شهرسازی، ابعاد رفتاری و فرهنگی این پدیده اجتماعی نیز مطرح میشود. مقوله ساخت و ساز شهری، همانگونه که میدانیم، یک مقوله فرهنگی و اجتماعی است که ریشه در فرهنگ گذشته هر سرزمین داشته و نشانگر نحوه تفکر و نوع زیست یک ملت است. به عبارت دیگر، طراحی و معماری هر جامعه در هر دوره از تاریخ، تبلور ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... حاکم بر آن جامعه و متشکل از تفکرات و سنن آنان است. از طرف دیگر، طراحی و نحوه ارتباط عناصر آن، بر رفتار انسانها تأثیر گذاشته و فرهنگ آنان را متأثر می نماید. به عبارت دیگر، هر چند بناها و فضاها ساخته دست بشر است، ولی خود نیز بر رفتار اجتماعی و فردی آنان اثر میگذارد (شریعتمداری، ۱۳۹۶).

مفهوم سکونت

واژه سکونت مفهوم گسترده تری از مسکن دارد. و منظور از آن مجموعه ای از فعالیت های زیستی خانوار است. فعالیت های زیستی خانوار. در اینجا، فعالیت های فردی، جمعی، از یک سو، و فعالیت های اجتماعی، اقتصادی را از سوی دیگر، دربر می گیرد.

مفهوم سکونت‌گاه در برابر مسکن محلی است که تمامی خدمات و تسهیلات ضروری برای بهزیستی خانواده را فراهم می‌سازد. مانند: بهداشت، آموزش، فرهنگ، روابط اجتماعی. بدون توجه به اهمیت و میزان انجام این خدمات.

حال با تأکید بر این که به هر حال مسکن به عنوان یک مقوله اساسی و یک بخش مهم فعالیت باید در قالب هدف‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مورد مطالعه قرار گیرد. برداشت‌ها و برخوردهایی که در این زمینه از مسکن می‌شود، ارائه می‌گردد. هدف‌های کلی اجتماعی که در برنامه ریزی توسعه ملی مطرح می‌شود، بطور عمده بر منابع و ارزش‌های هر جامعه مبتنی بوده و در واقع بازتابی از آرمان‌های اجتماعی به شمار می‌روند. به عنوان مثال، بالابردن استانداردهای زندگی یکی از عمده‌ترین هدف‌ها در هر جامعه بوده و منبعث از آرمان‌های رشد اجتماعی است.

در اصل سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: دسترسی به مسکن مناسب حق هر خانواده ایرانی است. مسکن در این جا یکی از هدف‌های مهم اجتماعی به شمار می‌رود (قانون اساسی، ۷۴۰).

تعریف سازمان بهداشت جهانی از مسکن

سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۶۱ م. مسکن را به عنوان محیط مسکونی، محله، محدوده خرد یا ساخت فیزیکی ای که انسان به عنوان سرپناه مورد استفاده قرار می‌دهد، همراه با تعلقات این ساخت از قبیل کلیه خدمات، تسهیلات و ابزار ضروری و وسایل مورد نیاز یا طراحی شده برای سلامت فیزیکی و فکری و بهزیستی اجتماعی خانواده و فرد تعریف کرد.

در این تعریف، توجه به پیامدهای مسکن برای ساکنان، جدا از مختصات صرفاً فیزیکی، مهم به نظر می‌رسد همچنین می‌توان دریافت که به جای کنکاش در خصوصیات صرفاً فیزیکی خانه و خصوصیات استفاده‌کننده، کنش متقابل بین استفاده‌کننده و مسکن؛ نکته مهمی در مشخص کردن شاخص‌های اجتماعی به منظور سنجش پیامدهای مسکن است. برآثر تحلیل پیامدهای وضع مسکن برای استفاده‌کننده، شاخص‌های اجتماعی مسکن بدست می‌آید که می‌تواند آسایش فرد را تضمین کند.

انواع گونه‌های مسکن

گونه‌های مسکن شامل موارد زیر می‌باشد:

- خانه تک واحدی مستقل
- خانه متصل
- خانه با حیاط مرکزی
- آپارتمان‌های مرتفع
- برج در فضای سبز
- آپارتمان‌های با ارتفاع متوسط

مسکن در ایران

به دنبال رشد فزاینده شهرنشینی در دهه‌های اخیر در ایران و به ویژه در شهر تهران، تامین مسکن به یکی از مهم‌ترین مسایل کشور تبدیل شده است. در این راستا، تولید انبوه مسکن، به عنوان الگویی با مزایایی نظیر توجیهات فنی، اقتصادی و

زمانی، مورد توجه جدی قرار گرفته و مجتمع های مسکونی را می توان تجلی کالبدی ایده انبوه سازی مسکن در شهرها دانست. نکته ای که در بررسی روند ایجاد مجتمع های مسکونی در ایران و خصوصا شهر تهران مشاهده می گردد اینست که همواره از توجه به اصول و معیارهای شهرسازی در برنامه ریزی و طراحی غالب مجتمع های مسکونی کاسته شده و اینگونه مسکن از ایجاد «محیط مطلوب» مسکونی فاصله گرفته اند.

با توجه به روند رو به رشد جمعیت و بزرگ شدن شهرها و همچنین افزایش مشکلات اقتصادی، اکثر فضاهای مسکونی شهری ما را آپارتمان تشکیل می دهد که در واقع این موضوع تا آن جا جامعیت یافته که می توان گفت: در چند سال آتی اکثریت مردم به زندگی آپارتمان نشینی روی خواهند آورد. با وجود این که در آینده اکثر فضاهای مسکونی ما را آپارتمان ها تشکیل خواهند داد بنابراین اگر راه حلی برای مشکلات در حال حاضر آپارتمان ها در نظر گرفته نشود جامعه به یک جامعه پر از تنش و استرس تبدیل خواهد شد که در یک چنین فضایی دیگر هیچ کس احساس امنیت و آرامش نخواهد داشت، به واقع سلامت روانی افراد به خطر خواهد افتاد.

سابقه زندگی در مجتمع های مسکونی در ایران

تا آغاز سلطنت رضاخان شیوه زندگی مردم ایران به شکل زندگی اجتماعی سنتی بود و معماری نیز به عنوان پدیده ای در زندگی اجتماعی- فرهنگی با همه عناصری که در طول قرن ها برای خود آفریده بود، در چارچوب معماری سنتی شکل می گرفت. بعد از کودتای رضاخان، معماری که تاکنون تعادل خود را حرکت های اجتماعی فرهنگی حفظ کرده بود، ناچار از قبول یک حرکت جدید و غیرمترقبه بود. اجتماع ایران با پذیرش یک حرکت جدید و به تبع آن، قبول بسیاری از رفتارها و هنجارهای اجتماعی- فرهنگی اروپا، ناگزیر از گرفتن بسیاری از الگوها و قالب های اجتماعی- فرهنگی بود. معماری نیز نمی توانست در حرکت خود، بی نیاز از الگوها و قالب های معماری غرب باشد. پذیرش الگوها و قالب های اجتماعی و فرهنگی اروپا، استفاده از فنون معماری آن قاره را اجتناب ناپذیر می ساخت. بیرون آمدن زنان از فضای اندرونی خانه ها، تغییراتی را در واحدهای مسکونی ایجاد نمود، پنجره به کوچه باز شد و به جای خانه یک طبقه و مجزای سابق، ساختمان های چند طبقه آپارتمانی بنا گردید.

خانه های آپارتمانی

خانه های آپارتمانی^۱، بخش عمدهای از مسکن شهری را در شهرهای بزرگ و متوسط تشکیل میدهند. خانه های آپارتمانی با توجه به اینکه در نواحی کم درآمد و یا پر درآمد احداث شوند، از نظر اندازه و نوع و میزان تنوع متفاوت خواهند بود. بخشهای مسکونی آپارتمانی، خاص نواحی پرتراکم شهری است. این نواحی خصوصیات اجتماعی و فرهنگی ویژه ای دارند که میتوان از آن با عنوان (شیوه زندگی شهری) یاد کرد.

^۱ - Apartment Flats

مجتمع های مسکونی^۲

با تجمع تعدادی آپارتمان در یک بلوک شهری، که به شکل یکپارچه طراحی و ترکیب شده باشند، پدید می آید. بسیاری از مجتمع های مسکونی دارای فضای عمومی مشترکی هستند که مورد استفاده همگانی ساکنان مجتمع قرار میگیرد و دیگران حق استفاده و حتی ورود به آن را ندارند.

یک مجتمع مسکونی ممکن است از خانه های ویلایی مستقل و یا آپارتمانهای چند طبقه شکل گیرد. اندازه مجتمعهای مسکونی نیز متنوع است و برخی از آنها، مانند مجتمع اکباتان در تهران، به اندازه یک شهر متوسط جمعیت دارند (طالب پور، ۱۳۹۴).

علت ایجاد مجتمع های مسکونی

با توجه به نیاز بشر به حفظ امنیت و توانایی بیشتر برقراری امنیت توسط نیروهای جمعی به نسبت نیروهای فردی، انسانها زندگی به صورت گروهی را تا آنجا که به حریم خصوصی شان لطمه وارد نکند دوست دارند.

- وجود مجتمع های مسکونی این امکان را به مخاطبان می دهد تا از امکانات بیشتر و بهتری بهره گیرند. (مثل فضاهای خدماتی و تفریحی و ...)
 - کمتر شدن هزینه ها با توجه به تقسیم آنها بین تعداد خانوار بیشتر
- امکان لذت بردن از زندگی جمعی در کنار حریم خصوصی (آذرخشی، ۱۳۹۴).

سکونت و معماری

«معماری بی هویت، محصول سبک زندگی ای است که امروز میان ایرانیان وجود دارد، معماری ای که نه متضمن آرامش است و نه تضمین کننده آسایش. این اولین بار است در تاریخ معماری که ما می توانیم خانه های گران قیمتی بسازیم که نه تامین کننده آرامش است و نه مسبب آسایش. درحالی که معماری باید این دو نیاز را تأمین کند و واجد اصالت بوده و به ریشه ها متصل باشد. شرطش آن است که بها قائل باشیم برای این تمنایی که آرام آرام در ما جوانه می زند؛ برای کسب آرامش و آسایش غیرانضمامی.»

مذهب و معماری

معماری فرایندی است که بستگی مستقیم به اعتقادات مردم و در کل به مذهب و دین آنها دارد از آنجایی که ما در هر منطقه و کشوری معماری خاص خودش را مشاهده می کنیم می توان پی برد که دین و مذهب اصلی ترین نقش را در معماری ایفا می کند و دیگر عوامل را از قبیل توپوگرافی منطقه، آب و حتی اقلیم را تحت الشعاع قرار می دهد ولی نباید به جبر گرایی مذهبی متوسل شد چون کار اشتباهی است که دیگر عوامل به غیر از مذهب و دین را نادیده گرفت. مذهب تاثیر خود را بر بناها بیشتر از سایر عوامل نشان می دهد چنانچه می بینیم در دو منطقه که از نظر شکل زمین و آب و هوا اقلیم و ... در شرایط یکسانی هستند دو گونه متفاوت خانه ها را مشاهده می کنیم پس شکل بنا ها ریشه در ارزش و اعتقادات مردم دارد (قدوسی فر، ۱۳۹۴).

^۲ - Clusters

تاثیر اسلام در ایران و سایر کشورها به گونه ای بوده است که مثلا دیوار بلند دور حیاط برای جلوگیری از دیده شدن درون خانه، درو گرایی، جدا کردن بخشهای خصوصی و عمومی، ارتفاع کم و خاکی بودن که در ریشه در ساده زیستن و حجاب و در کل اسلامش دارد. در عوض در بناهای مسیحی می بینیم که ساختمان را به اوج رسانده اند و از اشکال تیز و بالا رونده استفاده زیاد شده است.

شکل مثلث که نشانه ماورا و عروج به خدا را دارد در بناهای مسیحی به وفور استفاده شده است. در بناهای اسلامی گنبد که بسیار استفاده شده است نشان دهنده وحدت است که نقوش روی آن به وسیله هندسه نرم گیاهان به سوی نقطه اوج یعنی نوک گنبد و در نتیجه به سوی معبود حرکت می کند و از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت را تجلی می کند. در بودا که ریشه همه اعتقادات آنها از بودای واحد گرفته شده است به پیکره سازی و نگاره گری بیشتر از معماری اهمیت قائلند. ساختمانهای بودا دارای چندین طبقه بوده و بیشتر به طبیعت کشیده شده است و با گوشه های تیز و سقفهای بخصوص خود معرفی کننده اعتقادات بوداست. بودا به چند بخش تبدیل شده است که در هند معروف استوپا، در چین معروف به پاگودا، در ژاپن معروف به شینتو که هر کدام خصوصیات خاص خود را داراست (طالب پور، ۱۳۹۴).

۲-۲-۲ رابطه دین و هنر معماری

دین، از جهت ماهیت درونی و باطنی، حقیقتی آرمانی و متعالی است که ذاتا مطلوب بشر است و هر انسانی، بالطبع در آرزوی دستیابی به آن است. این حقیقت که به «کمال مطلق» تعبیر شده است، بر تمام زندگی انسانی که در جستجوی کمال است، تأثیر می گذارد و او را در یک نظام عقیدتی و رفتاری که مجموعه ای از هست ها و نیست ها و بایدها و نبایدها و بهترین ابزار و راه برای دست یافتن به آن کمال مطلق است، قرار می دهد.

امروزه، هم تأثیرات ادیان الهی و هم غیر الهی در هنر، مورد بحث قرار می گیرد؛ چرا که از دیدگاه پژوهشگران معاصر، دین، مجموعه ای از اصول ثابت، احساسات و حرکات جمعی است که فرد را عمیقا تحت تأثیر قرار می دهند و در کارهای روزمره ی او، مخصوصا خلق اثر هنری، جلوه گر می شوند (معینی، ۱۳۹۳).

شافتس بری^۳ در تعریف هنر و زیبایی شناسی آن می گوید: «زیبایی، فقط به وسیله ی روح، شناخته می شود و خداوند، زیبای اصلی است». فیخته^۴، به نوعی، حرف او را تأیید نموده، می گوید: «هنر، ظهور و بروز روح زیباست و مقصدش تعلیم و تربیت. مقصود از هنر، تربیت متوازن سراسر وجود انسان است».

هگل^۵، هنر را «تحقق همانندی تصور زیبایی با حقیقت زیبایی» می داند که «در کنار دین و فلسفه، راهی برای درک و بیان عمیق ترین مسائل انسانی و عالی ترین حقایق روح است.» در این میان، لئو تولستوی^۶، در تعریفی زیبا از هنر می گوید: «برای

^۳ - Shafts Bury

^۴ - Fikhteh

^۵ - Hegel

^۶ - Leo Tolstoy

این که هنر را دقیقاً تعریف کنیم، پیش از همه، لازم است که به آن، همچون یک وسیله ی کسب لذت ننگریم؛ بلکه هنر را یکی از ملزومات حیات بشری بشناسیم». پیداست که همه ی این تعاریف، تعریف «هنر متعهد به آسمان» یا «هنر متعالی» است (معینی، ۱۳۹۳).

با مد نظر قرار دادن تعاریف بالا، می توان هنر را «شکلی نو و دل پذیر و نمودی پرجاذبه از حقیقتی اصیل و ماهیتی آرمانی» دانست که ریشه در فطرت پاک انسان دارد و او را از «آنچه هست» به سوی «آنچه باید باشد»، راهنمایی می کند. به عبارتی، می توان چنین نتیجه گرفت که هنر متعالی، مانند دین، سعی دارد تا با توجه دادن انسان به فطرت پاک و الهی خود، همان اهداف دین (یعنی تقویت و تصحیح رابطه ی انسان با: خدا، خود، همنوعان و جهان هستی) را محقق سازد (معینی، ۱۳۹۳).

ویژگی های هنر معماری اسلامی

معماری اسلامی یا معماری دوره اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره گیری از روح معنویت نشان می دهد. این امر به گونه ای است که اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم اسلام به عنوان اندیشه زیبایی شناسی دین اسلام در معماری اسلامی تجلی می یابد مؤلفه های به جا مانده از پیش از ظهور اسلام نشان می دهد از زمانی که انسان هنر را شناخت یعنی از هزاران سال پیش به طراحی رنگی از حیواناتی که منقرض شدند به منظور نشان دادن واقعیت ها و مهارت های خود بر روی دیوارها پرداخت. در واقع هنر پیش از زبان و ادبیات در زندگی انسان وسیله ای برای برقراری ارتباط او به شمار می رفت (شفیع نیا، ۱۳۹۵).

هنگامی که تمدن پا به عرصه وجود گذاشت، خیزشی جدی در ارائه مهارت های موجود ایجاد شد که اینک در کشورهای اسلامی و غیراسلامی به خوبی قابل رؤیت است که برخی از آنها به هزاره هفتم قبل از میلاد مسیح (ع) باز می گردد اما آنچه که بیشتر از دیگر هنرها توجه انسان را به خود معطوف داشت، معماری و هنرهای تجسمی بود که انسان بر روی اشیاء یا ساختمان هایی که می ساخت از هنر خود بهره مند می شد و آن را به نمایش می گذاشت (زهانی، ۱۳۹۴).

معماری هنری بود که به غیر از تنوعات رنگی، هویت و فرهنگ را نشان می داد؛ به گونه ای که تجلی معماری در تصاویر یا کنده کاری ها بخوبی نمایان است. در قصرهای ساخته شده در زمان امویان کنده کاری های رنگی و غیررنگی با عکس های قدیمی بسیاری داشت. دست نوشته ها، ظروف و یا اثاثیه هایی که به علت تنوعات رنگی و نوع کار بر روی آنها از اهمیت به سزایی برخوردارند، نشانگر ارتباط و علاقه انسان با هنر است (قهری، ۱۳۹۲).

بنابراین باید میان معماری و هنر معماری تفاوت قائل شد که دو مفهوم کاملاً مجزا هستند. در معماری منظور ساخت و ساز در راستای انجام وظیفه اجتماعی و خدمت رسانی است. مانند ساختن اماکن مسکونی، عبادتی و یا تحصیلی. اما در هنر معماری تأکید بر استفاده از شاهکارهای هنری و دستاوردهای تزئینی بر روی دیوارها، سقف، ستون ها، پنجره ها و درهاست و حتی باغ ها و حوض ها نیز به گونه ای با هنر معماری ترکیب می شوند تا تأثیرگذاری بنا بر بیننده بیشتر شود.

هنر معماری اسلامی به واسطه وجود معماران زبردست که فعالیت های ابداعی انجام می دادند با رعایت یکسری اصول خاص بسط و گسترش یافت که این هنر بر درایت و نوع نگاه دینی شخص صحنه می گذاشت؛ در واقع این نوع معماری بر نظرات،

تجارب و ابتکاراتی متکی بود که معمار از آن بهره می گرفت. این مسئله منجر به تنوع در معماری اسلامی شد و با توجه به اینکه این معماری از زبان قرآن نشأت می گرفت، عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره گیری از روح معنویت نشان می داد.

با وجود تفاوت میان معماری و هنر معماری، معماری اسلامی دارای شاخصه های متفاوتی می شود که آن را از سبک و سیاق های دیگر بناها جدا می سازد. این مؤلفه ها شامل هندسه علمی و هنرهای ابداعی بر گرفته از اندیشه های معنوی شخص می شود. ابداعی که معمار از آن بهره مند می شد، شیوه ای است که در هنر معماری پیش از این سابقه نداشته است و این به علت ویژگی های دینی در اندیشه زیبایی شناسی اسلام است که در هنر معماری اسلامی متجلی شده است.

ارتباط معماری با دین اسلام نشانه اعتقاد به توحید، ایمان و عمل به آموزه ها و تعالیم دین اسلام است. اندیشه توحیدی مبنی بر اعتقاد به خدای واحد سبکی بود که در اکثر هنرهای اسلامی به عنوان موضوعی بکر به کار می رفت.

معماری اسلامی هنری بود که نه تنها در اماکن دینی چون مساجد مورد استفاده قرار می گرفت، بلکه از آن در مدارس، ضریح ها و قصرها و حتی خانه ها و حمام ها نیز بهره گرفته می شد. مقیاس های ریاضیات و هندسه در معماری اسلامی بسیار مورد توجه بود.

دورانی که معماری اسلامی در اوج رشد و شکوفایی خود بود، ارتباط معنوی شایسته ای با نیازهای انسان، شرایط زندگی و اجتماعی زمان خود برقرار می کرد. بنابراین می توان گفت که معماری اسلامی با روح تمدن اسلام تطبیق داشت.

هویت معماری اسلامی

هویت معماری اسلامی در همه جهان با وجود تنوعات زبانی و تمدنی یکسان است و این تنوعات از چین تا اقیانوس اطلس با وجود تعددات فرهنگ ها دیده می شود. اگر چه رومی ها و دیگر اقوام نیز دارای معماری بودند، اما معماری اسلامی ویژگی خاص خود را داشت. از دیگر ویژگی های هنر معماری اسلامی تزئینات است که مسجد النبی به عنوان اولین بنای اسلامی دارای معماری اسلامی دارای این ویژگی بوده است. اگر چه در زمان نبی اکرم (ص) سقف آن از شاخه های نخل بود و با اتکا به عناصر تزئینی ساخته نشد، اما در زمان ولید بن عبدالملک معماری اسلام با استفاده از موزاییکهایی با رنگهای بسیار زیبا و متنوع معنوی در آن به کار رفت (فولادی تالاری، ۱۳۹۴).

در هنر معماری اسلامی بیشتر از آیات قرآن به عنوان برجسته ترین ابداعات هنر اسلامی مورد استفاده قرار می گرفت که نوشته هایی از آیات قرآن بر روی سقف ها، دیوارها و یا ستون ها استفاده و به شکل خاص تزئین می شد. از برجسته ترین و قدیمی ترین خطوط زیبایی که با هنر معماری اسلامی تزئین شده داخل قبه الصخره است که آیات قرآن با خط کوفی نوشته و با موزاییک تزئین شده است (فولادی تالاری، ۱۳۹۴).

وحدت و تنوع در معماری اسلامی

وحدت و تنوع در معماری اسلامی شاید از برجسته ترین ویژگی های آن باشد. این وحدت عامل اساسی توسعه و تکوین هویت معماری اسلامی و تأسیسات دینی به شمار می رود. به طوری که شیوه های معماری اسلامی در هر یک از کشورهای اسلامی متفاوت بوده است، اما وحدت در آنها به خوبی مشاهده می شود. حتی در ساختمانهای دینی که در پاریس، لندن، مونیخ و

دیگر شهرهای اروپایی به شیوه معماری اسلامی ساخته می‌شد، هویت اسلامی کاملاً مشخص است و نشان می‌دهد که اسلام در اروپا اشاعه یافته و مسلمانان به ویژه معماران اسلامی بیشترین نقش را در ارائه تمدن و هویت اسلامی داشتند.

نکته دیگر این است که دیگر تمدن‌ها هنر و معماری اسلامی را به عاریت گرفته‌اند، اما اگر چه تلاشهایی می‌کنند تا هنر معماری اسلامی را در نظام خود در آورند، اما هنرهای اسلامی اعم از معماری، خط و تزئینات اسلامی بر اقتدار و ابداع مسلمانان تکیه دارد که ما نمونه‌ای از این تزئینات و هنرهای معماری را در اصفهان، بغداد، دمشق، قاهره، قیروان می‌بینیم که به ۱۵ قرن پیش به زمان تاریخ تمدن اسلام باز می‌گردد و انتساب آن به هیچ حاکم و دولتی امکان‌پذیر نیست.

انسان و معماری

میان انسان و معماری رابطه‌ای ناگسستنی برقرار است. مطالعه در مورد رابطه معماری با نیازهای فیزیکی انسان سابقه‌ای دیرین دارد. در این باره آورده‌اند:

«سابقه تاریخی آن به زمان‌های گذشته، از آثار نویسندگان و هنرمندان رنسانس تا دوره کلاسیک، می‌گردد. کتاب چهار کتاب نسبت‌های انسانی نوشته آلبرت دورو آغاز آنتروپومتری علمی است. جایگاه دور جایی میان تجربه‌گرایی مدرن و سنت کلاسیک است که در صدد پیشنهاد قانونی کلی برای شباهت‌ها و تناسب‌های انسانی بود تا بر اساس اصول از قبل تعیین شده علم زیبایی‌شناسی معیارهای خوش ساخت و تراش بودن بدن انسان را توصیف می‌کند» (فیزنت، ۱۳۷۵).

اما رابطه معماری با نیازهای روانی انسان، کمتر مورد توجه واقع شده‌است. این رابطه که به معماری اهمیت و جایگاهی فراتر از سر پناه هبه می‌کند تنها به صورت حضوری راز آمیز و ناشناخته در معماری سنتی ملل باقی مانده است. میدانیم «فضا که توسط سطوح عمودی و افقی به وجود می‌آید و موضوع و جوهر اصلی معماری است» (سید صدر، ۱۳۸۰)، تنها با معیارهای فیزیکی قابل درک نیست، بنا به گفته هوسرل دنیای روح نیز «حضور هستی‌شناسانه‌ای متفاوت از جهان طبیعی» دارد، پس نمی‌توان «روح را با تعمق در زندگی طبیعی درک کرد» (احمدی، ۱۳۷۳). بی‌جهت نیست که ویتروویوس پولیو زمانی که «در سنین پیری گوشه‌ای نشست تا اصول محترمترین هنر رومی را به صورت فرمول در آورد. تحصیل فلسفه را برای معمار شدن لازم شمرد. به عقیده او فلسفه هدف‌های معمار را توسعه می‌دهد، در حالی که علم وسیله او را بهبود می‌بخشد. فلسفه او را صاحب فکر بلند، خلیق و مودب، عادل، صمیمی و عاری از حرص می‌کند، هیچ کار واقعی را نمی‌توان بدون ایمان پاک و دست نیالوده انجام داد» (توسلی، ۱۳۷۷).

عنایت به این دیدگاه، ادوارد تی‌هایل را بر آن داشت تا نیم قرن پس از فرانتر بوس تحقیقات وی را توسعه داده و با استناد به مطالعات گسترده رفتارشناسان و جانورشناسانی، نظیر اچ‌ای‌هوارد و جان کالهن، به مطالعه فضای شخصی و اجتماعی و درک انسان از آن بپردازد. حاصل تلاش وی اثری منحصر به فرد بود که نام بعد پنهان به خود گرفت در این کتاب آمده است:

«بشر بعد جدیدی خلق کرده، یعنی بعد فرهنگی که همجواری‌ها در فضا و مکان تنها بخشی از آن است» (هایل، ۱۹۶۹).

معماری مذهبی (مقدس)

معماری مقدس، قبلاً مشهور به عنوان "معماری مذهبی"، با طراحی و ساخت اماکن عبادی و/یا فضای مقدس یا عمدی در نظر گرفته می شود مانند کلیساها، مساجد، استوپاها، کنیسه ها و معابد. خیلی از فرهنگ ها، منابع قابل ملاحظه ای را به معماری مقدسشان اختصاص می دهند و اماکن عبادی، مذهب و فضاهای مقدسشان، در میان تأثیرگذارترین و ساختمان های یکپارچه سنگی دائمی ساخته شده توسط بشر است. از طرف دیگر، معماری مقدس به عنوان محلی برای فراصمیمیت، همچنین ممکن است غیر یکپارچه، بی دوام و خیلی شخصی، خصوصی و غیرعمومی باشد.

ساختمان های روحانی، مذهبی و مقدس، معمولاً در طول قرن ها پدید آمده اند و قبل از آسمان خراش های مدرن، بزرگترین ساختمان های جهان بوده اند. هنگامی که سبک های مختلف به کار رفته در معماری مقدس، گاهی تمایل به ساختمان های دیگر (غیر مذهبی) را نشان می داد، این سازه ها هم چنان منحصر به فرد و یگانه از معماری معاصر به کار رفته در ساختمان های دیگر باقی ماندند. با افزایش یکتاپرستی، ساختمان های مذهبی به طور فزاینده مراکز عبادت و تفکر شدند (زهانی، ۱۳۹۴). ترتیب علمی تاریخ معماری غرب، خود به دقت تاریخ معماری مذهبی را از دوره باستان تا دست کم دوره باروک دنبال می کند. هندسه مقدس، پیکرنگاری و کاربرد نشانه شناسی پیشرفته مانند نشان ها، سمبل ها و موتیف های مذهبی، در معماری مذهبی رایج هستند.

هویت دینی در معماری مذهبی

از ساختن هر چیز بیهوده و غیر مفید در معماری دوران اسلامی به شدت پرهیز می شود و در عین حال سعی بر تأمین مجموع نیاز های مادی و معنوی انسان ها خواهد بود همچنین در این دوره از تزئینات نامناسب و ناهنجار و غیر ضروری به مفهوم تزئین آنچه زمینی و مادی است، استفاده نمی شود.

همواره فاخر و غنی است و از کلام الهی، اشعار عارفانه، نقوش و بافت های هندسی و از رنگ های متنوع و مناسب به طور شایسته و به جا بهره برداری می کند (آقائی، ۱۳۹۲).

این معماری علاوه بر اینکه هماهنگ با محیط زیست و اقلیم طراحی می شود، تأمین کننده مجموع نیازهای مادی و روحی انسان ها است، همچنین معماری دوران اسلامی به دلیل اصالت بخشیدن به نیازهای فطری و نوعی انسان ها و در عین حال احترام به دستاوردهای تجربی و تربیتی و کسبی آنان، قابلیت کاملی برای جهانی شدن را دارد.

در بیان ویژگی های معماری دوران اسلامی که می تواند این معماری را بین المللی کند باید گفت: حکمت نظری اسلام چون فطرت بالقوه و نوعی، انسان ها را به عنوان اصول ازلی، ابدی، فرازمانی، فرامکانی و مبتنی بر وحی و کلام الهی که عقل کل است پذیرفته و از طرفی حکمت عملی اسلام بر اساس عدل به معنای قرار دادن هر چیز در جای مناسب و شایسته خود استوار است (زهانی، ۱۳۹۴).

حکمت عملی اسلام در مقام عمل نسبی بودن و وابسته بودن به مجموع شرایط زمانی و مکانی نظیر اصل اضطرار، مصلحت یا احکام ثانویه را پذیرفته و اجتهاد خبرگان را بر مبنای اصول می پذیرد در عین حال به تجربیات تربیتی و کسبی فرهنگ ها و

اقوام احترام می‌گذارد و مراتب کمال را مرحله‌ای می‌داند بنا بر این از بعد فلسفه هنر و زیبایی، ساختاری جهانی و فرا زمانی و فرا مکانی و کامل را ارائه می‌کند.

ویژگی‌های ظاهر ساختمان‌های دینی

جهت یابی ساختمان‌های دینی در گذشته با خورشید، ماه، ستارگان یا سیارات در یک راستا قرار می‌گرفت و اغلب نزدیک کوه‌ها، غارها، درخت‌ها یا رودخانه‌های سرشناس ساخته می‌شد. شباهت ساختمان‌های دینی همه ادیان مفهوم «مرکزیت» به عنوان فضایی مقدس است. این مرکز با دروازه‌ها؛ چارچوب در، بخشی بیرونی و درونی شناخته می‌شود (قهری، ۱۳۹۲).

نور و رنگ نیز از ویژگی‌های متمایز این عمارت‌ها تلقی می‌شود که هر کدام از ساختمان‌های دینی براساس سنت‌های دینی و فرهنگی خود و همچنین خاستگاه‌ها و بنیادهای خود از رنگ، نقاشی‌های دیواری، اشکال اساطیری، شیشه کاری منقوش، انعکاس نور خورشید، انعکاس نور ماه بهره می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

از ساختن هر چیز بی‌هوده و غیر مفید در معماری دینی (دوران اسلامی) به شدت پرهیز می‌شود و در عین حال سعی بر تأمین مجموع نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها خواهد بود همچنین در این دوره از تزئینات نامناسب و ناهنجار و غیر ضروری به مفهوم تزئین آنچه زمینی و مادی است، استفاده نمی‌شود.

این معماری علاوه بر اینکه هماهنگ با محیط زیست و اقلیم طراحی می‌شود، تأمین‌کننده مجموع نیازهای مادی و روحی انسان‌ها است، همچنین معماری دوران اسلامی به دلیل اصالت بخشیدن به نیازهای فطری و نوعی انسان‌ها و در عین حال احترام به دستاوردهای تجربی و تربیتی و کسبی آنان، قابلیت کاملی برای جهانی شدن را دارد.

نفوذ دین در حوزه هنر معماری موضوع تحقیقات گسترده‌ای شده است. آیین قدیمی (ودائی) برای پرستش، داشتن محل سرپوشیده را ضروری نمی‌دانسته، اما آیین بودائی به عکس معتقد به حفظ اشیاء و بقایای انسان‌های مقدس است. به همین جهت وجود محل سرپوشیده و بنا کردن ساختمان را لازم دانسته. آئین پرستش مردگان که پایه ادیان قدیم مصر است، هم ساختن اهرام را توجیه می‌کند، هم توجیه‌کننده علت فقدان هنر در سکونت‌گاه‌های شخصی است. زیرا براساس اعتقاد مصریان قدیم سکونت‌گاه واقعی انسان گور او است، وقتی پدر خانواده‌ای می‌میرد، بقیه اعضا بدلیل ترس از سرایت جادو خانه‌ای را که پدر در آن مرده است، ترک می‌کنند. به این ترتیب سکونت‌گاه زندگان جای موقتی است و هیچ‌گونه توجهی به زیبایی آن نمی‌شود. این آیین پرستش مردگان در خاور دور تأثیر شگفت‌انگیزی بر جای می‌گذارد: در این منطقه، اشیاء تزئینی زیبا و کوچک پدید می‌آید. یعنی هر خانه به یک آرامگاه نیاکان تبدیل می‌شود. اما در خانه‌های کوچک محل اختصاص یافته به اشیاء و تندیس‌های نیاکان نمی‌توانسته جای بزرگی را اشتغال کند.

شاخصه‌های معماری دینی-مذهبی عبارتند از:

- جنبه‌های روحانی معماری مذهبی

- هندسه خاص و خالص
- حساسیت نسبت به جهات
- تقارن
- ایجاد تضاد در فضای بیرون و درون
- خدابینادی و دعوت دینی
- زیبایی معماری مذهبی
- مساله مشرفیت
- حجاری، گچ بری و کاشی کاری

اخوت (۱۳۹۴)، در تحقیقی به بررسی نقش آیات قرآن و احادیث شیعه در شکل‌گیری کالبد مسکن سنتی، پرداخته است. نتایج پژوهش، نشان می‌دهد الگوهای هویت شیعی بر اساس آیات و احادیث در ابعاد کالبدی و مفهومی، دسته‌بندی می‌شوند که الگوهای هنر، اخلاق، طبیعت، نور، رنگ و شفافیت، در زیرمجموعه ابعاد مفهومی و الگوهای هندسه و تناسب، سلسله‌مراتب، حریم، فضای تهی و انعطاف‌پذیری، در زیرمجموعه ابعاد کالبدی قرار می‌گیرند. در این زمینه، شایسته است با توجه به هویت ایرانی-اسلامی و رواج مذهب تشیع در کشورمان، به الگوهای شیعی در طراحی مسکن امروز توجه شود.

مدنی و امین‌پور (۱۳۹۷)، در یک بررسی، تحقق مفهوم قرآنی و روایی عدل در طراحی مسکن ایرانی، را موردتوجه قرارداده است. نتایج حاصل بیان‌کننده این موضوع است که این اصل به عنوان یکی از مهمترین اصول، در تمامی ابعاد معماری خانه‌های ایرانی-اسلامی تأثیر گذاشته است. این تأثیرات برگرفته از مفهوم عدل است که شامل تعادل و توازن در پلان و نما، هماهنگی واحدمسکونی با دیگر واحدها، مسأله حریم‌خصوصی و عمومی و محرمیت در معماری بناها در نظرگرفته شده است. بر پایه عدل، شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری تعادل در معماری مسلمانان را می‌توان مؤلفه‌هایی مانند تقارن، تناسب و مقیاس، سلسله مراتب، ریتم، مصالح‌همگن و سازه، فن ایستایی و تزئین‌های طبیعی دانست.

آصفی و ایمانی (۱۳۹۵)، در تحقیقی به باز تعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی، پرداخته‌اند. در این تحقیق سعی بر این بوده تا با ژرف‌کاوی کیفیت مسکن در خانه‌های سنتی ایران، معیارهایی جهت تدوین راهکارهای مؤثر برای افزایش کیفیت مسکن معاصر به دست آید. بر اساس نتایج این تحقیق رابطه معناداری بین کیفیت خانه‌های سنتی، انسان، معماری و سبک زندگی گذشته وجود دارد که از سنت‌ها و ارزش‌های اصیل سرچشمه می‌گیرد. همچنین به ترتیب اهمیت، شاخص‌های نیازهای انسان، کیفیت محیطی، کالبدی، عملکردی و ساختاری در این رابطه معنادار سهیم بوده‌اند که می‌بایست در طراحی مسکن معاصر مدنظر قرار گیرند. هر چند در مقایسه کلی همگامی متناسب تمامی شاخص‌های مطرح به کیفیتی ماندگار منتج شده است.

وثیق (۱۳۹۶)، در تحقیق خود، ترسیم ساختار دینی مفهوم مکان در واحد همسایگی با تکیه بر آیات قرآن کریم، را مورد توجه قرار داده است. وی معتقد است که مکان‌یابی فرآیند نظام‌مند و مستقل ارزیابی مبتنی بر واقعیت انتخاب مطلوب‌ترین مکان است. بر مبنای اولویت‌ها بدست آمده، خانه عرب‌ها، نمونه خانه بافت سنتی ایران، بررسی گردید. نگارنده بر این عقیده است که سه عامل، وحدت واحد همسایگی، هدفمندی در ساخت و طراحی و کارکردهای خانه و نیز بکارگیری اصول محرمیت و امنیت‌درونی و بیرونی در خانه و بافت همسایگی، عوامل مؤثر بر مکان‌یابی خانه در واحد همسایگی هستند.

ملکی و سجادیان (۱۳۹۴)، در تحقیقی بر ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه های اسلامی، پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را در سه سطح مفاهیم، الگوها و کالبد را می‌توان در کنار سایر تقسیم‌بندی‌ها مورد تدقیق قرار داد. در انتها نیز بر اساس یافته‌های تحقیق راهکارهایی پیشنهاد گردید.

رئسی (۱۳۹۵)، در تحقیق خود به تحلیلی فقهی بر نامطلوب بودن توسعه عمودی بناهای مسکونی در شهر اسلامی، پرداخته است. این پژوهش به دنبال ژرفکاوای الگوی توسعه عمودی در ابنیه مسکونی از منظر فقه شیعی است و مسئله‌ای که محور این پژوهش را تشکیل می‌دهد عبارت است از «مطلوبیت یا عدم مطلوبیت فقهی توسعه عمودی در ابنیه مسکونی و تبیین علل آن». بر اساس یافته‌های پژوهش، توسعه عمودی در ابنیه مسکونی به دلایل متعدد فقهی، مطلوبیت ندارد که این دلایل را می‌توان به دو دسته ادله صریح و ادله غیر صریح تقسیم نمود. از مهمترین دلایل دسته اول می‌توان مواردی همچون موضوع اشراف و ایجاد مزاحمت ساختمان‌های بلند در تهویه ابنیه مسکونی مجاور را برشمرد که به صراحت در متون فقهی مورد نهی قرار گرفته است و قبل از این پژوهش، در سایر پژوهش‌های مشابه نیز کمابیش مورد بحث قرار گرفته است؛ اما نوآوری این پژوهش در تبیین دسته دوم (ادله غیر صریح) است که در این خصوص می‌توان به مواردی همچون تقابل با انجام برخی تکالیف شهروندی و اجتماعی، تقابل با برخی از سنن معصومین (ع) نظیر سنت استهلال و تقابل ضمنی با برخی از آیات و ادعیه اشاره نمود که همانطور که اشاره شد، تحلیل و استنتاج یافته‌ها از این نوع ادله از ابداعات این پژوهش است.

ملکی و آریان‌کیا (۱۳۹۶)، در تحقیقی به سنجش تطابق کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های شهر گرگان مبتنی بر شاخص‌های مسکن ایرانی-اسلامی، پرداخته‌اند. شاخص‌های موردنظر در پژوهش حاضر شامل: کالبدی، زیست محیطی و فرهنگی، و مؤلفه‌های مورد استفاده در مطالعه حاضر شامل: نوع سبک بنا، محرمیت و عدم اشراف واحدهای مسکونی در هم‌جواری یکدیگر، وضعیت زیست محیطی مسکن، نزدیکی به مراکز فرهنگی و مذهبی و هم‌خوانی واحد مسکونی با فرهنگ و سنت می‌باشد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مسکن شهر گرگان با توجه به تحولات چند دهه اخیر از سبک معماری سنتی و بومی فاصله گرفته و با تقلید از الگوی غربی و بیگانه با فرهنگ ایرانی-اسلامی، هویت گذشته خود را از دست داده است. در ارتباط با اشراف داشتن واحدهای مسکونی در هم‌سایگی و هم‌جواری یکدیگر و هم‌خوانی واحد مسکونی با فرهنگ و سنت ساکنین، اصول معماری ایرانی رعایت نشده است که این امر موجب نارضایتی ساکنین این گونه مسکن شده است.

منابع

- قرآن کریم
- آذرخشی، زیبا و مریم قاسمی سیچانی. (۱۳۹۴). تأثیر مجتمع‌های مسکونی در مقیاس بلند مرتبه بر حس رضایت شهروندان از منظر شهری (با رویکرد حس دل‌بستگی به مکان)، دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، بصورت الکترونیکی، موسسه بین‌المللی معماری، شهرسازی مهرز شهر.
- آصفی، مازیار و الناز ایمانی. (۱۳۹۵). باز تعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی، تهران: فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۱.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۷). مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران: نشر مرکز.
- اخوت، هانیه. (۱۳۹۴). بررسی نقش آیات قرآن و احادیث شیعه در شکل‌گیری کالبد مسکن سنتی، تهران: مجله علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، دوره ۱۳، شماره ۵۲.

- توسلی، محمود. (۱۳۷۷). قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- رئیسی، محمدمنان. (۱۳۹۵). تحلیلی فقهی بر نامطلوب بودن توسعه عمودی بناهای مسکونی در شهر اسلامی، تهران: فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، دوره ۳، شماره ۲۴.
- زهانی، الهه. (۱۳۹۴). تحلیل مفهوم سکونت در فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی، رشت: دانشگاه پیام نور استان گیلان.
- سید صدر، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). معماری، رنگ و انسان، تهران: انتشارات آثار اندیشه.
- شریعتمداری، حسنا. (۱۳۹۶). طراحی مجموعه مسکونی در شهر کرمانشاه با رویکرد حفظ اصل محرمیت در معماری ایرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ایلام: دانشگاه آزاد واحد ایلام، گروه معماری.
- شفیعی نیا، شادی و همکاران. (۱۳۹۴). تأملی بر جایگاه فرهنگ اسلامی در معماری، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی، رشت: دانشگاه پیام نور استان گیلان.
- طالب پور، شکوفه و فرید فروزانفر. (۱۳۹۴). ترجمان عناصر معماری سنتی اصفهان در معماری مجتمع مسکونی زیتون، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی، رشت: دانشگاه پیام نور استان گیلان.
- فولادی تالاری، مریم. (۱۳۹۴). بازنگری معماری ایرانی اسلامی در ساختمان های مسکونی عصر حاضر، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی، رشت: دانشگاه پیام نور استان گیلان.
- فیزنت، ارین. (۱۳۷۵). انسان، آنترپومتری، آرگونومی و طراحی، ترجمه: علی چوبینه و محمد موعودی، تهران: نشر کتاب ماد.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی.
- قدوسی فر، سیدهدادی و نسرین یعقوبی. (۱۳۹۴). واکاوی هویت اسلامی در تحلیل مسکن امروز با رویکرد پایداری اجتماعی (نمونه موردی: آپارتمان های مسکونی تهران)، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی، رشت: دانشگاه پیام نور استان گیلان.
- قهری، شلاله و همکاران. (۱۳۹۲). جایگاه حریم در معماری مسکونی ایرانی، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- مدنی، رامین و احمد امین پور. (۱۳۹۷). تحقق مفهوم قرآنی و روایی عدل در طراحی مسکن ایرانی، تهران: نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال نهم، شماره ۳۴.
- معینی، سیدمحمود و سعید فضلی. (۱۳۹۳). اهمیت طراحی محیطی در محیطهای مسکونی (نمونه موردی شهرک اکباتان)، ملایر: اولین همایش ملی معماری مسکونی، آموزشکده فنی و حرفه ای سما واحد ملایر.
- ملکی، سعید و مصطفی آریان کیا. (۱۳۹۶). سنجش تطابق کالبدی فضایی سکونتگاه های شهر گرگان مبتنی بر شاخص های مسکن ایرانی-اسلامی، تهران: فصلنامه مطالعات عمران شهری، دوره دوم، شماره ۴.
- ملکی، سعید و مهیار سجادیان. (۱۳۹۴). تحقیقی بر ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه های اسلامی، تهران: فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دوره ۸، شماره ۲۷.
- وثیق، بهزاد. (۱۳۹۶). ترسیم ساختار دینی مفهوم مکان در واحد همسایگی با تکیه بر آیات قرآن کریم، تهران: مطالعات محیطی هفت حصار، سال ششم، شماره ۲۱.
- هال، تی آل. (۱۳۷۶). بعد پنهان، ترجمه محمودی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.